



۴۸/۶/۱

جلسه هفتم

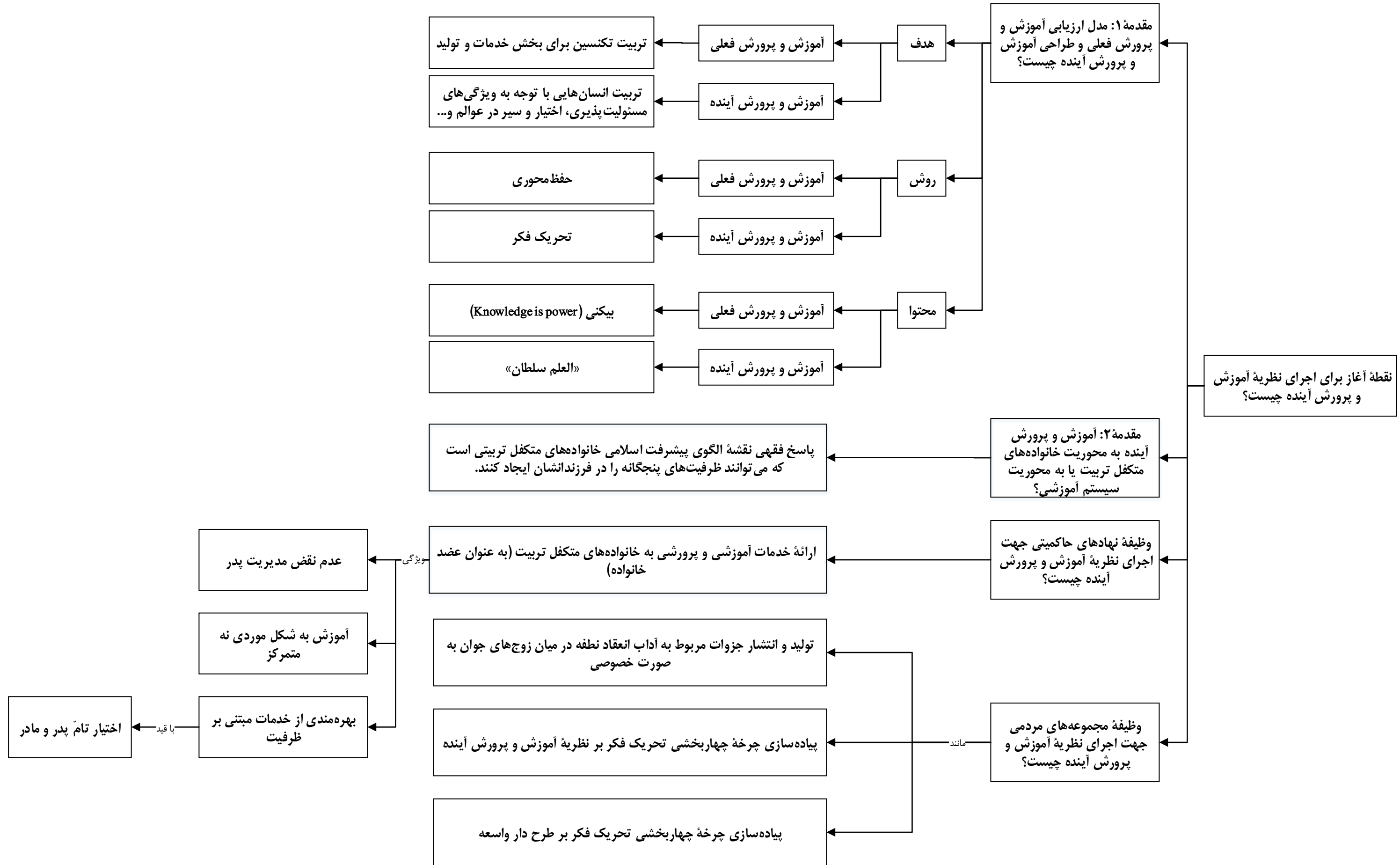
نشست تخصصی تعیین نظریه

آموزش و پرورش آینده

محورهای نشست

۱. وظیفه نهادهای حاکمیتی جهت اجرای نظریه آموزش و پرورش آینده چیست؟
۲. وظیفه مجموعه‌های مردمی جهت اجرای نظریه آموزش و پرورش آینده چیست؟

تبیین نظریه آموزش و پرورش آینده (جلسه هفتم)



شناسنامه:

جزوه پیش‌رو متن پیاده شده هفتمین جلسه از سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) است که در تاریخ ۲۷ مردادماه ۱۳۹۸ در مسجد مقدس جمکران در جمع برخی از نخبگان جوان فعال در حوزه آموزش و پرورش برگزار شده است. پیشنهاد می‌شود جزوه و نمودار آن به ترتیب در قطع A۴ و A۳ چاپ شود.

فهرست مطالب

۱. وظیفه نهادهای حاکمیتی جهت اجرای نظریه آموزش و پرورش آینده چیست؟ ۲
۲. وظیفه مجموعه‌های مردمی جهت اجرای نظریه آموزش و پرورش آینده چیست؟ ۴

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در جلسات گذشته چهار دسته مطلب را مباحثه کردیم. بخش اول مباحثه این بود که مدل ارزیابی آموزش و پرورش فعلی چیست؟ عرض کردیم به محوریت هدف، به محوریت روش تدریس و تدارس و به محوریت محتوای مطرح در آن، ما این نظام آموزشی را ارزیابی می‌کنیم. همچنین در بخش دوم گزارش دادیم که آینده آموزش و پرورش را هم بر اساس این سه محور بحث می‌کنیم؛ یعنی آموزش و پرورش آینده از حیث هدف، از حیث روش تدریس و تدارس و از حیث محتوا بسیار متفاوت از وضعیت فعلی است. در بخش سوم عرض کردیم آن آموزش و پرورش که از حیث محتوا بیکنی^۱ نیست و می‌خواهد «العلم سلطان»^۲ را جلو ببرد، آموزش و پرورش که حفظ محور نیست و به دنبال تحریک فکر در پنج سطح^۳ است و هدف آن هم تربیت انسانی است که ویژگی‌هایش را در سیر عوالم، مسئولیت‌پذیری، اختیار و غیره بحث می‌کنیم، اگر می‌خواهیم به آن نظام آموزشی برسیم باید نقش ایجاد ظرفیت‌های اولیه انسانی را در آن آینده مباحثه کنیم.

به صورت دقیق عرض کردیم که مبنای نظام آموزش و پرورش آینده، تنظیم صحیح روابط انسانی است. یعنی آینده را به محوریت تنظیم روابط انسانی می‌بینیم و تنظیم صحیح روابط انسانی را هم به محوریت ایجاد ظرفیت‌های اولیه پنجگانه می‌دانیم. اگر کسی ظرفیت‌های پنجگانه اولیه را داشت آن وقت می‌تواند از ساختن آینده متفاوت صحبت کند، اما اگر بنا شد ظرفیت‌های اولیه دچار چالش باشد تحول در متون درسی مشکل ما را زیاد حل نمی‌کند. این نکته افتراق مباحثات نقشه

۱. human knowledge and human power meet in one: for where the cause is not known the effect cannot be produced. nature to be commanded must be obeyed: and that which in contemplation is as the cause is in operation as the rule.

علم انسان با تصرف او در طبیعت، با یکدیگر مترادفند؛ زیرا وقتی علت شناخته شده نیست اثری ایجاد نمی‌شود. برای حکومت کردن بر طبیعت باید از آن اطاعت نمود؛ و آنچه در عالم تفکر، علت است؛ در عالم عمل نیز یک قاعده است.

نوارغنون (فرانسویس بیکن)، ص ۳۴

۲. قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالِحًا بِهِ وَ مَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالِحًا عَلَيْهِ.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «دانش مایه تسلط است؛ هرکس آن را بیابد، به وسیله آن پیروز می‌شود و هرکس آن را نیابد، مغلوب می‌گردد.» شرح نهج البلاغه لابن ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص ۳۱۹

۳. جهت مطالعه پنج سطح تفکر و توضیحی اجمالی از آن به جلسه چهارم «تبیین نظریه آموزش و پرورش آینده» مسجد مقدس جمکران رجوع کنید.

الگوی پیشرفت اسلامی^۴ با مباحثات سند تحول بنیادین آموزش و پرورش^۵ و سایر مباحثات است. ما فکر می‌کنیم این دوستان توجهی به مسئله ایجاد ظرفیت‌های اولیه نکرده‌اند؛ با اینکه قابلیت استناد جدی به این ابواب روایی وجود دارد. از جمله لوازم دیگر این بحث آن است که اگر کسی گفت ایجاد ظرفیت‌های اولیه انسانی اصل است، نهادی که می‌تواند این ظرفیت‌ها را ایجاد و مدیریت کند نهاد خانواده است.^۶ بنابراین این ایده را مطرح کردیم که آینده نظام آموزش و پرورش کشور

۴. در اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی با نگاهی فقهی و غیر اقتباسی از الگوهای معیوب و ناکارآمد غربی به بیش از ۱۰۰ مسئله در حوزه‌های مختلف معیشتی، تربیتی، پیش‌گیری از جرم، قانون‌گذاری، سیاسی، معرفت‌شناسی، پولی و مالی، کشاورزی، طب، شاخص‌های ارزیابی جامعه، محرومیت‌زدائی، مدیریت شهری، برنامه‌ریزی، بودجه، ساخت‌یابی، الگوی تخصیص تکنولوژی، الگوی مطالعات تاریخی، الگوی جدید نگرشانی از نظام، الگوی تنظیم و تحلیل خبر و... پاسخ گفته‌ایم.

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه: plink.ir/kAsWM

۵. طرح تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در افق چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران پس از تدوین و تصویب در شورای عالی آموزش و پرورش در دستور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفت و سرانجام پس از شکل‌گیری حلقه‌های کارشناسی-پژوهشی با مشارکت صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی و مدیران و کارشناسان مجرب آموزش و پرورش و سایر دستگاه‌های ذیربط، ضمن پایبندی به دیدگاه‌های حضرت امام خمینی رحمته و نظرات مقام معظم رهبری درباره تحول بنیادین نظام آموزشی و همسو با اسناد فرادستی، از جمله سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، سند مذکور تدوین و به تصویب این شورا رسید.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ص ۹: yon.ir/PwTub

۶. از روایات زیر برداشت می‌شود که تعلیم و تربیت در ادبیات وحی به عهده خانواده به خصوص پدر گذاشته شده است:

الطَّيَالِسِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا سَيْفُ بْنُ عَمِيرَةَ وَصَالِحُ بْنُ عُقْبَةَ جَمِيعاً عَنْ قَيْسِ بْنِ سَمْعَانَ عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: ... مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوَرِثَةً فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَقَدْ بَلَّغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ وَوَلَدٌ أَوْ لَمْ يُولَدْ فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرَ الْغَائِبَ وَالْوَالِدَ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ...

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: «... ای گروه مردم! من امامت را در ذریه خودم تا روز قیامت باقی گذاشتم، و من هر آنچه گفتنی بود گفتم و مأموریتم را کاملاً به انجام رساندم، تا آنجا که برای هیچ کس؛ چه حاضر و چه غایب، چه آنان که متولد شده‌اند و چه آیندگان جای عذر و بهانه‌ای باقی نماند، پس سفارشات مرا به دیگران ابلاغ کنید، حاضر به غایب، و پدر به فرزند خود تا روز قیامت برسانند...»

الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسی)، ج ۱، ص ۶۲

وَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: مَنْ حَقَّ الْوَلَدُ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثَةَ يُحَسِّنُ اسْمَهُ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَةَ وَيُرْوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ.

پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمودند: «فرزند سه حق بر پدر دارد؛ اول انتخاب نام نیکو، دوم کتابت و سوم ازدواج زمانی که فرزند بالغ شد.»

روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۲، ص ۳۶۹

رُويَ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله: أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى بَعْضِ الْأَطْفَالِ فَقَالَ وَيْلٌ لِأَوْلَادِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمْ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمْ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعَلِّمُونَهُمْ شَيْئاً مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بَعَرَضَ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَتَانَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بَرَاءٌ.

روایت است که رسول خدا صلى الله عليه وآله نظر فرمودند به بعضی از طفلان پس فرمودند: «وای فرزندان آخرالزمان را از پدران ایشان.» عرض کردند: «با رسول الله! از پدران ایشان که مشرکان باشند؟» فرمود: «نه؛ بلکه از پدران ایشان که مؤمنان باشند که تعلیم نکنند ایشان را چیزی از واجبات و چون فرزندان خواهند که یاد گیرند منع کنند پدران ایشان آن را و راضی باشند از ایشان به اندک چیزی از دنیا پس من از ایشان بیزارم و ایشان از من بیزارند.»

جامع الأخبار (للشعیری)، ج ۱، ص ۱۰۶

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام: حَقٌّ وَلَدِكَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مَصَافَّ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيتَهُ بِهِ مِنْ حُسْنِ الْأَدَابِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمَعُونَةَ بِهِ عَلَى طَاعَتِهِ فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مُتَابِعٌ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ مُعَاقَبٌ عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ.

جمهوری اسلامی ایران به محوریت خانواده‌های متکفل تربیت است و نه به محوریت یک سیستم آموزشی. ما از اساس به دنبال یک سیستم آموزشی هرچند تحول‌یافته در باب متون درسی و شکل آموزش نیستیم. ما به دلیل اینکه ظرفیت‌های اولیه انسانی را در شکل‌گیری شخصیت اصل می‌دانیم به سمت ایجاد خانواده‌های متکفل تربیت و آموزش می‌رویم. با توجه به این بحث‌هایی که در ساعات و جلسات گذشته محضر دوستان ارائه کردم این بحث مطرح می‌شود که الآن نقطه شروع ما کجاست؟

۱. وظیفه نهادهای حاکمیتی جهت اجرای نظریه آموزش و پرورش آینده چیست؟

ما عرض کردیم نقطه شروع این است که نقشه [ارائه] خدمات آموزشی و پرورشی حاکمیت به خانواده‌های متکفل تربیت تغییر پیدا کند. معنای عرض بنده این است که اگر بنا بود سیستم آموزش و پرورش به همین روال فعلی خدمات را ارائه دهد ما نمی‌توانیم خانواده‌های متکفل تربیت را به نحو گسترده ایجاد کنیم. پس اینکه ما نقشه جدیدی برای نظام آموزش و پرورش آینده تعریف کنیم که آن نقشه، جایگزین خانواده نباشد بلکه عضد و پشتیبان خانواده شود؛ این حرف اصلی ماست که باید به آن بپردازیم. همان‌طور که برادرمان در قسمت مباحثات گفتند مثلاً در روایات اینگونه آمده است که پدر و مادر در مواردی می‌توانند - که آن موارد را هم باید بحث کنیم - از ظرفیت‌های معلمانی برای تربیت و تعلیم فرزندانشان استفاده کنند.^۷ این، حرف بسیار دقیقی است؛ اینکه پدر و مادر، بررسی انتخاب معلم برای فرزند خود را به عهده گیرند. یعنی پدر و مادر، مسئله را به مدرسه تفویض نمی‌کند. پس ما حتماً معلم داریم، منتها معلم نه به عنوان جانشین پدر و مادر در امر تربیت، بلکه به عنوان عضد پدر و مادر در امر تربیت. در مورد این مبحث، مفصلاً در روایات مطلب وجود دارد حتی مثل آموزش قرآن. روایت دارد که آموزش قرآن، وظیفه پدر است.^۸ بعد در کنار این مسئله روایت می‌فرماید شما می‌توانید برای آموزش قرآن به فرزندانتان، معلم هم استخدام کنید. برای چه این اجازه را بحث کرده است؟ برای اینکه پدر و مادر شاید توان علمی این کار را نداشته

امام سجاد علیه السلام فرمودند: «حق فرزند تو این است که بدانی او از توست و نیکی و بدی او در این جهان مضاف به توست و از تو در باره تربیت او و راهنمایی او برای شناخت خداوند عزوجل و کمک به فرمانبرداری او از خداوند پرسیده می‌شود و درمورد او چنان رفتار کن که بدانی اگر به او نیکی کنی، پاداش داده می‌شوی و اگر بدی کنی، عقاب می‌شوی.»

روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۲، ص ۴۲۸

۷. علی بن محمد بن بُنْدَار عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام هُوَ لَا يَثْوُونَ إِلَّا كَسَبَ الْمُعَلِّمُ سُخْتًا فَقَالَ كَذَبُوا أَعْدَاءَ اللَّهِ إِنَّمَا أَرَادُوا أَنْ لَا يَعْلَمُوا الْقُرْآنَ وَ لَوْ أَنَّ الْمُعَلِّمَ أَعْطَاهُ رَجُلٌ دِيَّةً وَلَدِيه لَكَانَ لِلْمُعَلِّمِ مُبَاحًا.

به نقل از فضل بن ابی قره به امام صادق علیه السلام گفتیم: اینان می‌گویند: «درآمد معلم [قرآن]، حرام است.» فرمود: «دروغ می‌گویند. دشمنان خدا [بند]! آن‌ها [با این بهانه‌ها] می‌خواهند که قرآن را تعلیم ندهند. اگر کسی [به اندازه] دیه فرزندش را هم به معلم بدهد، برای معلم، حلال است.»

الکافی، ج ۵، ص ۱۲۱

قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: أَنَّهُ إِذَا قَالَ الْمُعَلِّمُ لِلصَّبِيِّ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَقَالَ الصَّبِيُّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كَتَبَ اللَّهُ بَرَاءَةً لِلصَّبِيِّ وَ بَرَاءَةً لِأَبِيهِ وَ بَرَاءَةً لِلْمُعَلِّمِ؛

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی معلم به کودک بگوید: «بگو بسم الله الرحمن الرحيم» و کودک آن را تکرار کند، خداوند برای کودک و پدر و مادرش و معلم، برائت از آتش در نظر خواهد گرفت.»

جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۴۲

۸. وَ قَالَ عَلِيُّ عليه السلام : ... حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ يُحَسِّنَ آدَبَهُ وَ يُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: «... از جمله حقوق فرزند بر پدر، این است که نامی نیکو بر او بنهد و نیکو تربیتش کند و قرآن را به او بیاموزد.»

نهج البلاغه، ص ۵۴۶، حکمت ۳۹۹

باشند. حالا چون توان علمی ندارند، نباید برای این حوزه فکری کنند؟! باید بروند یک نفر را که توانایی علمی دارد استخدام کنند تا این امر مهم به سرانجام برسد. پس در حوزه تعلیم که ورود پیدا می‌کنیم معلم موضوعیت پیدا می‌کند، البته کماکان اصل اولیه این است که خود پدر تعلیم دهد؛ ولی در شرایط فعلی ممکن است شما بگویید فقط درصد کمی از پدرها قدرت تعلیم دارند. پس ممکن است وقتی کار را آغاز می‌کنیم، نظام آموزش و پرورش اصل باشد ولی نه نظام آموزش و پرورش که مدیرش غیر از پدر است. یعنی بافت خدمات در آینده اینگونه می‌شود که شما -به اصطلاح- مؤسسات و تشکلهای خودجوش فرهنگی دارید که اینها خدمات خودشان را به پدر و مادرها ارائه می‌دهند و پدر و مادرها با توجه به قواعدی که دارند از بین این مؤسسات، یکی را برای آموزش‌های موردی انتخاب می‌کنند؛ نه نظام آموزشی‌ای که سیلابس‌ها^۹ در آن اصل است و از بالا نوشته می‌شود. پس ممکن است ده دوره آموزشی با ده دوره متنی وجود داشته باشد. پدر و مادر با توجه به ظرفیت فرزندانشان بین یکی از این مؤسسات آموزشی انتخاب می‌کند. اگر بخواهید اصالت پدر و مادر در تعلیم و تربیت را بپذیرید نمی‌توانید نقش پدر و مادر را به ثبت نام فرزند در مدرسه و شرکت در جلسه اولیاء و مربیان محدود کنید. نه! پدر باید مدیریت کند. پس تعریف مدرسه تغییر پیدا می‌کند. مدرسه می‌تواند متناسب با نیازهای خانواده و بدون نقض اذن، اجازه و ولایت خانواده در مسئله تعلیم و تربیت، خدماتی را ارائه دهد و پدر و مادر از بین آن خدمات انتخاب می‌کنند. پس تنوع در مدارس در نقشه حاکمیتی آینده اصل می‌شود. مثلاً ممکن است شما مدارس حوزه شغل داشته باشید. یکسری مؤسسات آموزشی باشند که کار آنها این است که مشاغل مختلف را آموزش دهند. آن وقت پدر و مادر ممکن است برای این بخش از آموزش‌ها از این مؤسسات استفاده کنند. البته در تعریف آن مؤسسات آموزشی حوزه شغل، باز اصول فقه‌المکاسب^{۱۰} ما اصل می‌شود. یعنی در فقه‌المکاسب در نه بخش، مشاغل را تعریف کردیم که ارکان حاکم بر مشاغل چیست؟ لذا آموزش‌های فقه‌المکاسب آموزش‌های مرتبط با مشاغل صنعتی نیست و به سمت آموزش مشاغل مستقل می‌رویم. حالا وقتی فقه‌المکاسب را بحث کنیم این بحث بیشتر تبیین می‌شود. در واقع می‌خواهم بگویم همه چیز اصلاح نظام آموزش و پرورش نیست. از اینجا می‌خواهم یک بحث مهم را شروع کنم: اینگونه نیست که شما فکر کنید اگر خانواده متکفل تربیت درست کردید جامعه بلافاصله اصلاح می‌شود. نظام مشاغل متناسب با خانواده هم باید درست شود. آیا اگر شغل کسی در عسلویه بود، ۲۱ روز در آنجا بود و ۹ روز در تهران و شهرهای دیگر به مرخصی نزد خانواده‌اش آمد، اساساً این نوع شغل اجازه می‌دهد ما خانواده متکفل تربیت داشته باشیم؟^{۱۱} طبیعی است که اجازه نمی‌دهد. آن نوع شغل، خانواده را از بین می‌برد. پس اگر شما می‌خواهید

۹. A syllabus is an outline or summary of the subjects to be covered in a course.

برنامه درسی طرح کلی یا خلاصه‌ای از موضوعاتی است که باید در یک دوره تحت پوشش قرار گیرند.

سایت دیکشنری کالینز: yon.ir/nr-a0

۱۰. مباحثات دوره اول فقه‌المکاسب شامل پنج ساختار بحثی: ۱- بررسی طبقه‌بندی و ارزش‌گذاری مشاغل بر اساس زیرساخت‌های هدایت. ۲- بررسی ویژگی‌های الگوی تولید به صورت استظهاری و فقهی. ۳- بررسی ماهیت سوق و بازار و الگوی توزیع به صورت استظهاری و فقهی. ۴- بررسی مبادلات میان مشاغل و ارائه تعریف جدید از ابزار مبادله (تعریف جدید پول). ۵- بررسی و تبیین مسئله تجارت بین‌الملل به صورت استظهاری و فقهی است. شایان ذکر است که اصول استظهار و تفقه در فقه‌المکاسب قواعدی که گانه فقه‌البیان است.

دایره پژوهش شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی، ۳۰ آذر ۱۳۹۷

۱۱. گزارش خبرگزاری «نفت ما» از اعتراض کارکنان منطقه پتروشیمی عسلویه نسبت به ساعت کاری:

«...هم‌اکنون کارکنان به صورت ۲۵ روز کار در عسلویه و ۵ روز استراحت فعالیت دارند. متأسفانه علتی که تا به حال برای عدم اجرایی شدن این تدبیر عنوان شده است، مخالفت مدیران عامل شرکت‌ها به بهانه افزایش هزینه‌ها می‌باشد...»

آدرس مطلب در سایت خبرگزاری «نفت ما»: yon.ir/okPqy

خانواده متکفل تربیت داشته باشید باید نظام مشاغل متناسب با خانواده را هم طراحی کنید. ما این را در فقه المکاسب بحث کردیم. برای چه می‌گوییم ما صد نظریه بخشی در الگوی پیشرفت اسلامی بحث کردیم؟ برای اینکه اصلاح جامعه از یک بخش امکان ندارد. مثلاً فرض کنید متخصصین حوزه مکاسب ما یک مجموعه آموزش‌های مکاسب مستقل را آماده کرده و در قالب یک مؤسسه، مسجد یا مسجد-مدرسه، آن را عرضه می‌کنند. آن وقت در بخش شغل، پدر و مادر می‌توانند از خدمات این مؤسسه یا مسجد استفاده کنند. همچنین در سایر حوزه‌ها همین منوال حاکم است. مثلاً یک پدر زبده است، بخش تعلیم قرآن، مسئله امامت و احکام خانواده؛ همه این‌ها را خودش متکفل شده ولی می‌خواهد حوزه شغل را به این مؤسسه واگذار کند. یعنی می‌گوید برای آموزش حوزه شغل، یا وقتش را ندارم یا تسلط ندارم. بستگی به شدت حضور پدر و مادرها در مسئله تربیت، نیازشان به نقشه آموزشی متفاوت می‌شود؛ لذا انعطافی در مسئله شکل می‌گیرد. این را استبعاد نکنید و نگویید که اگر این‌ها را با پدر و مادرها مطرح کنیم، پدر و مادرها فکر می‌کنند یک بار اضافی به آن‌ها تحمیل می‌شود. این حرف واقعیت ندارد. چرا؟ چون مسئله آینده فرزندان از آینده خودشان برای آن‌ها مهم‌تر است. اگر بتوانید تفاهم کنید که خانواده متکفل تربیت، آینده بهتری را رقم می‌زند آن‌ها هم به نقشه حاکمیتی جدید میل پیدا می‌کنند. بنابراین اصل اول در نقشه آینده سه مسئله است: ۱. عدم نقض مدیریت پدر توسط مدارس آینده حالا تعابیر متفاوت است ممکن است شما بگویید مکتب‌های آینده یا مسجد-مدرسه‌های آینده. این مسجد-مدرسه یا مکتب یا مدرسه اجازه ندارد به جای پدر و مادر تصمیم بگیرد. این، اصل اول است. ۲. ظرفیت‌های آموزشی آن به نحو متمرکز نیست بلکه به نحو موردی است. پس اگر ما نه دسته آموزش داریم نه دسته مؤسسه خودجوش آموزشی هم خواهیم داشت که این‌ها در حوزه‌های مختلف می‌توانند ورود پیدا کرده، محتوا تولید کنند و تعلیم و تربیت را متکفل شوند. این هم مسئله دوم است. ۳. میزان استفاده از این مؤسسات آموزشی هم به دست پدر و مادر است و تابع ظرفیت فرزندان رقم می‌خورد. یعنی اینگونه نیست که بگویید همه باید هشت سال درس بخوانند. این بستگی دارد به اینکه فرزند در کدام خانواده رشد پیدا کرده است. بله! بعضی از کودکان شاید نیاز داشته باشند هشت سال درس بخوانند، برخی لازم است چهار سال درس بخوانند، چون ظرفیتشان متفاوت است. الآن این معنا به شکل ضعیف وجود دارد، می‌بینید یک نفر با سن کم در دانشگاه درس می‌خواند.^{۱۲} یعنی استعدادش به گونه‌ای بوده که توانسته این مدارسی که شما تعریف کردید را مدیریت کند. حالا من سؤال می‌پرسم: اگر ظرفیت‌های اولیه انسانی را مدیریت کنید، این نوع نخبگان به نحو موردی به وجود می‌آیند یا به نحو عمومی؟ لذا تصویر آینده بسیار متفاوت می‌شود که حداقل این سه اصل، درون آن وجود دارد. یعنی شما یک نقشه آموزشی دارید که اختیار پدر را نقض نمی‌کند، به نحو موردی ورود پیدا می‌کند و زمان آموزش هم بسته به میزان ظرفیت دانش آموز متفاوت می‌شود. یعنی ما زمان واحد نداریم که بگوییم همه باید شش سال درس بخوانند، یا همه باید دوازده سال درس بخوانند. چون ظرفیت اصل است، چون میزان ذکاوت اصل است، چون شرافت خانواده‌ها اصل است. پس این معنایی که عرض کردیم بخش تصمیمات ما را می‌سازد. الآن ما به یک نقشه جدید برای خدمات حاکمیت با این سه وصف نیاز داریم؛ و می‌خواهم عرض کنم الآن این معنا وجود دارد، نه اینکه ما بعداً می‌خواهیم آن را به وجود بیاوریم.

۱۲. آرمیتا فرید متولد بهمن ماه ۷۸ از استان اصفهان در سال تحصیلی ۹۲ - ۹۳ در دانشگاه علوم پزشکی ایران پذیرفته شده است. این دانشجوی ۱۳ ساله جوان‌ترین دانشجوی پزشکی کشور است.

همین مسجد-مدرسه‌ها، همین آموزش‌های غیررسمی که الآن در قالب علوم مختلف وجود دارد.^{۱۳} این‌ها را شما فقط باید منظم کنید و یک نظمی توسط حاکمیت به آن‌ها دهید. این حرف اول [بود].

۲. وظیفه مجموعه‌های مردمی جهت اجرای نظریه آموزش و پرورش آینده چیست؟

اما بحث دوم این است که ما الآن بین دو گروه واقع شدیم یعنی الآن نه حاکمیت هستیم نه طرف مردم هستیم. خودمان یک مجموعه مردمی محسوب می‌شویم و می‌خواهیم کار را شروع کنیم. ما کار را از کجا شروع کنیم؟ جواب این بحث، طرح‌های پنجاه‌گانه ذیل نظریه تعریف^{۱۴} است. من اینجا نمی‌خواهم همه را بحث کنم. بخش عظیمی از آن طرح‌هایی که ذیل نظریه تعریف است همین الآن توسط تشکل‌های مردمی قابلیت اجرا دارد و شما می‌توانید اقدام به افزایش ظرفیت‌های اولیه انسانی را از همین فردا شروع کنید. من مثالی بزنم: یک بحثی را ذیل نظریه تعریف مطرح کردیم که [طرح آن] در اینجا هم کاملاً مفید است و می‌تواند مسئله را حل کند. طرح این است که اگر مؤسسات یک جزوات فنی و مختصری ترجیحاً همراه با درایه در مسئله آداب انعقاد نطفه تولید کنند و در بین زوج‌های جوان توزیع کنند. با این کار هیچ نیازی به سیستم آموزشی نیست. شما اگر بتوانید چهار دسته روایات مربوط به مسئله انعقاد نطفه^{۱۵} را در حد سی، چهل صفحه بحث کنید و آن را -نه به شکل انتشار عمومی بلکه- در محیط ارتباطی خودتان بین زن و شوهرهای جوان که در مرحله انعقاد نطفه هستند بدهید، ارتقای در ظرفیت‌های اولیه انسانی آغاز شده است. این چالش‌هایی را که شما مدنظران هست مبتنی بر این است که ما می‌خواهیم سیستم آموزشی بسازیم در حالی که خانواده متکفل تربیت را با یک نهاد خودجوش فرهنگی هم می‌توان پشتیبانی کرد. یا مثلاً اگر ما نشست‌های آموزش و پرورش آینده را به همت دوستان در کل کشور راه‌اندازی کنیم یک اقدام اساسی انجام دادیم. از این بحث کنیم که چرا ما می‌گوییم آینده ما نباید به محوریت یک سیستم آموزشی باشد و باید به محوریت خانواده‌های متکفل تربیت و آموزش باشد؟ هنوز بسیاری از متدینین دلیل این تأکید ما را در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی نمی‌دانند. لذا وقتی می‌خواهند آینده را تصویر کنند، خود آن آینده‌ای که تصویر کردند معیوب است. لذا اصلاح این تصویرها به خدمات حاکمیتی احتیاج ندارد بلکه با همین ظرفیت‌های انسانی میسر است. به صورت طبیعی عرض می‌کنم که خود همین مباحثات وقتی نشر پیدا می‌کند معلوم می‌شود که آیا خانواده‌های متکفل تربیت، حرف فنی تری است یا سیستم آموزشی متکفل تربیت؟ پس خود نشر این بحث‌ها هم یک تصمیم است. مثلاً ممکن است شما یک ارتباط خوبی با یک مقام مسئول داشته باشید و بتوانید برای او توضیح دهید، این خودش از سنخ تصمیم است و دیگر تعریف و تصویر نیست. هرچه بتوانیم ادله دیدگاه خودمان را بیشتر نشر بدهیم، خودش یکی از اقدامات است. یا مثلاً خانواده‌های متکفل تربیت به دار و اسعه نیاز دارند، شما به همان بحث بازی

۱۳. برای نمونه می‌توان به مسجد خاتم‌الأنبیا عليه السلام در شهرک پردیسان قم اشاره کرد. به طوری که مدرسه از سال ۹۲ داخل مسجد راه‌اندازی شد و متریبان با ثبت نام در آن دیگر به مدرسه رایج آموزش و پرورش نمی‌روند و برای آموزش به مسجد می‌آیند. این مسجد-مدرسه از قانون آموزش و پرورش استفاده می‌کند: «آموزش متفرقه». بنابر قانون آموزش متفرقه از پایه ششم به بعد فرد می‌تواند در هر مکانی منزل، مسجد... درس بخواند و پایان سال در امتحانات رسمی مدارس شرکت کند و با شرکت در امتحانات، مدرک رسمی آموزش و پرورش را دریافت می‌کند. لازم به ذکر است که در این نوع مدارس از سیلابس‌های رسمی آموزش و پرورش استفاده نمی‌شود.

برگرفته از خبرگزاری مهر: yon.ir/seoWO

۱۴. نظریه تعریف (نظریه بخش محرومیت‌زدایی نقشه الگوی پیشرفت اسلامی - خانه ۴/۱/۲) دارای سه بخش پژوهش (تکامل روابط انسانی)، پرورش (مقابله با عوامل محرومیت‌زا) و پردازش (طرح‌های طبیات، قُری و...) است.

۱۵. جهت مشاهده این چهارده‌گانه روایت به جلسه قبلی «تبیین نظریه آموزش و پرورش آینده» (جلسه ششم) در مسجد مقدس جمکران رجوع کنید.

فرزندان که ما در مباحثات اشاره کردیم توجه کنید! فرمود «الولد یلعب سبع سنین»، «الغلام یلعب سبع سنین»^{۱۶} روایت می‌فرماید پسر بچه هفت سال بازی کند. اینجا یک سؤال پیش می‌آید فرزند چگونه هفت سال در یک خانه آپارتمانی بازی کند؟ بازی کردن فرزند همانا و تزیین حقوق همسایگی همان و به هم ریختن محیط خانه و خسارت مالی به خانه همان. اساساً این حکم در غیر از دار و اسعه جریان پیدا نمی‌کند. لذا مثلاً اگر گفتگوهای مربوط به دار و اسعه را راه بیاندازیم - چون الآن مملکت خصوصاً برای مستأجرها به دلیل اجرای سیاست‌های لیبرالی دچار بحران مسکن شده است - و در آن گفتگو، راجع به تفاوت ساخت مسکن با تعریف دار و اسعه در قالب محله و ساخت مسکن در قالب آپارتمان بحث کنیم، حتماً یک اقدام زیرساختی برای آموزش و پرورش آینده انجام داده‌ایم. یکی از پیشنهادهای بسیار جدی که به نظرم در ماه‌های آینده و حداکثر سال‌های آینده محقق خواهد شد این است که حکومت اسلامی از محل انفال،^{۱۷} زمین خانه‌های ساخته شده آینده را

۱۶. قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) : دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُؤَدِّبْ سَبْعَ سِنِينَ وَ الزَّمُهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ أَفْلَحَ وَ إِلَّا فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا خَيْرَ فِيهِ.

امام صادق (ع) فرمود: «کودک خود را تا هفت سال به بازی رها کن و هفت سال دیگر او را تحت تربیت و آموزش قرار ده و هفت سال با خود هم‌دم و هم‌راز ساز. پس اگر در صراط حق بود و از باطل گریزان و سعادت خود را دریافت که بسیار خوب و اگر نه امید خیری در وجودش نخواهد بود.»
من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۹۲

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَاصِمِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ.

امام صادق (ع) فرمودند: «پسر باید هفت سال بازی کند، و هفت سال قرآن بیاموزد، و هفت سال به آموزش حلال و حرام بپردازد.»
الکافی، ج ۶، ص ۴۷

۱۷. انفال، چیزهایی است که امام (ع) به طور اختصاصی از جهت منصب امامتش، مستحق آن می‌باشد همان‌طور که به دلیل ریاست الهی که پیغمبر (ص) داشت، انفال متعلق به او بود. و انفال چند چیز است:

از آن جمله است: هر چیزی که با اسبان و سواران بر آن تاخته نشده است و از طریق جنگ با کفار به دست مسلمانان نیفتاده است زمین باشد یا غیر زمین، اهالی آن از آن کوچ کرده باشند و یا آن را با میل و رغبت به مسلمانان تسلیم نموده باشند.

و از آن جمله است: «زمین مواتی» که تا آباد یا اصلاح نشود قابل استفاده نیست برای آن که نزار است یا برای این که آب از آن قطع شده است یا برای این که آب آن را فراگرفته و یا برای غیر این‌ها، چه در ملک دیگری واقع نشده باشد مانند صحراهای بی‌آب و علف، یا ملک کسی بوده ولیکن مالک آن از بین رفته و الآن شناخته نشود. و قریه‌ها و شهرهایی که اهل آن‌ها کوچ کرده سپس خراب شده است مانند بابل و کوفه و مانند این‌ها به زمین موات ملحق می‌شود، پس زمین این شهرها و آثار آن مانند سنگ‌ها و مثل آن‌ها از انفال می‌باشد. و زمین مواتی که در زمین مفتوح عنوة واقع شده بنا بر اقوی مانند غیر آن (جزء انفال) است. البته اگر معلوم باشد که در حال فتح، آباد بوده و بعد از آن، حالت موات بر آن عارض شده است پس در این که از انفال است یا بر ملک مسلمین باقی می‌باشد - مانند زمینی که فعلاً آباد است - تردید و اشکال است که دومی آن‌ها خالی از رجحان نیست.

و از آن جمله است: سواحل دریاها و کناره‌های نهرها، بلکه هر زمینی که صاحب نداشته باشد - البته اطلاق آن اشکال دارد، اگرچه خالی از قرب نمی‌باشد - اگرچه موات نباشد و بدون زحمت و تکلف قابل استفاده باشد، مانند جزایری که در دجله و فرات و مانند آن‌ها بیرون می‌آید.

و از آن جمله است: سر کوه‌ها (ارتفاعات و قله‌ها) و آنچه که از گیاه و درخت‌ها و سنگ‌ها و مانند آن‌ها در آن‌ها می‌باشد، و عرصه وادی‌ها و «آجام» و آن زمین‌هایی است که به نی و درختان پوشانده شده است. و در این سه، بین آن که در زمین امام (ع) باشد یا در مفتوح عنوة یا در غیر این‌ها باشد فرقی نمی‌کند؛ البته آنچه که ملک شخصی باشد سپس مثلاً نزار شود بر آنچه که بوده است باقی می‌ماند (و ملک صاحبش می‌باشد).

و از آن جمله است: آنچه که مال (اختصاصی) شاهان بوده است از زمین‌ها و چیزهای برگزیده.

و از آن جمله است: غنیمت ممتاز و برجسته، مانند اسب سواری نجیب و لباس گران‌قیمت و شمشیر برنده و زره فاخر و مانند این‌ها.

تأمین کند. آن وقت معنای این تصمیم این است که حداقل هفتاد درصد از هزینه ساخت خانه کاهش پیدا می‌کند. چون بیش از هفتاد درصد قیمت خانه، قیمت زمین آن است. خصوصاً در شهرهای بزرگ همین‌طور است. حالا اگر شما شروع کنید طرح دار واسعه یا همان بحث‌های مدیریت شهری^{۱۸} را به مباحثه بگذارید چون الآن کشور دارد به سمتی می‌رود که دوباره مسکن بسازد، جلوی ساخت مسکن در قالب آپارتمان را می‌گیرد. پس این یک اقدام زیرساختی محسوب می‌شود. پس سه نوع زیرساخت را به عنوان تصمیم اولیه پیشنهاد می‌کنم که این سه زیرساخت در دستور کار قرار بگیرد تا گام‌های آغازین نظریه آموزش و پرورش آینده در این راستا برداشته شود. یکی اقدامات تبیینی برای مرحله اول ایجاد ظرفیت‌های اولیه که عرض کردم همان بحث روایات انعقاد نطفه است. نشر این مسئله توسط تشکل‌های خودجوش فرهنگی امکان دارد و می‌شود این را گسترش داد. چون آموزش مسئله انعقاد نطفه توسط همه پذیرفته شده است لذا شما می‌توانید با جزوات مکتوب، این مسئله را با رعایت حیا مدیریت کنید و به سمت تحقق ایجاد ظرفیت‌های اولیه بروید؛ و هیچ خدمت خاصی هم از سوی حکومت نمی‌خواهد. پس یک نوع آن این است؛ دو مورد از زیرساخت‌ها هم یکی راجع به شرح همین ایده خانواده‌های متکفل تربیت است. در قالب مدیریت خبر، مدیریت تضارب، مدیریت کتابت و مدیریت نمونه‌سازی.^{۱۹} چه اشکالی دارد که اگر ما الآن یک خانواده متکفل تربیت داریم شما از آن تقدیر و تشکر کنید؟ مثلاً یک مستند در مورد آن بسازید و در موردش توضیح دهید. به هر حال خود این ایده را به شکل‌های مختلف توضیح دهید. زیرساخت نوع سوم هم محیط خانواده‌های متکفل تربیت است. مباحثه، باید حول محیط زندگی خانواده‌های متکفل تربیت آغاز شود. در شهرهایی که آپارتمان اصل است اساساً امکان تحقق خانواده‌های متکفل تربیت بسیار ضعیف است. لذا این سه نوع تصمیم را هم می‌شود بحث کرد. ضامن اجرایی تصمیم سوم، فضای آماده کشور برای ساخت مسکن است. تقریباً همه مسئولین نظام اجماع کرده‌اند که در سال‌های آینده چه در قالب بافت فرسوده، چه در قالب ساخت مسکن با شکل وقفی، چه در قالب ساخت مسکن در قالب الگوهای شبیه مسکن مهر و این‌ها می‌خواهند تولید انبوه مسکن را شروع کنند. با یکسری گفتگوها می‌شود در آن‌ها چالش ایجاد کرد که این مسکن‌ها در چارچوب دار واسعه حل شود، مشکل زمینش را هم باید از طریق انفال مدیریت کرد. این بخش‌های اولیه تصمیم نظریه

و از آن جمله است: غنیمت‌هایی که با اذن امام علیه السلام نباشد.

و از آن جمله است: ارث کسی که وارثی نداشته باشد.

و از آن جمله است: معدن‌هایی که به تبع زمین یا به واسطه احیای آن، ملک مالک خاصی نباشد.

ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۴۱۶

۱۸. به بخشی از سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین علی کشوری پیرامون مسئله مدیریت شهری اشاره می‌کنیم: «لذا بنده بر روی اینکه مدیریت شهری از نظر اسلام محله‌محور است، تأکید می‌کنم. به چه دلیل محله‌محور است؟ به دلیل اینکه: ۱. برای همه ما مهم‌ترین مسئله تربیت است. ۲. تربیت نهاد متکفل می‌خواهد. ۳. مدیریت محله‌ای سپر نهاد متکفل تربیت است. دلایل این موضوع را در ذهن خود تصور کنید. اگر مدیریت شهری هرم نیازهای خانوار را به بیرون از محله ببرد، بر روی خانوار یک نوع اثر دارد؛ اثر آن، ضیق کردن ارتباطات افراد و ایجاد خانواده‌های هسته‌ای است. اگر مدیریت شهری کالبد شهر را به گونه‌ای مدیریت کرده و در دانشگاه‌ها بحث کند که -إن شاء الله ما رشته‌های آن را نیز راه خواهیم انداخت و وقتی دانشجویان خواستند فارغ‌التحصیل شوند، این معانی را به صورت وسیع منتقل می‌کنیم- بر روی محله تمرکز نماید و محله نیز به معنای محل تأمین نیازهای خانوار باشد، به خانواده‌ها فرصت فراوان داده می‌شود. وقتی فرصت فراوان به خانواده داده شد، خانواده‌ها می‌توانند در کنار یکدیگر باشند... بنابراین مدیریت شهری، مدیریت محله‌ای است؛ محله هم به معنای تأمین نیازهای اصلی خانوار است.»

مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی، ص ۱۳۶

۱۹. جهت مشاهده مطالب مربوط به این چرخه چهارگانه به جلسه اول «تبیین نظریه آموزش و پرورش آینده» مسجد مقدس جمکران مراجعه کنید.

آموزش و پرورش آینده است. بخش‌های تصمیمی زیادی در ذهن بنده است ولی ترجیح می‌دهم در جلسات تفصیلی‌تری راجع به آن‌ها بحث کنم.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

اصل اول در نقشه آینده سه مسئله است:

۱. عدم نقض مدیریت پدر توسط مدارس آینده حالا تعابیر متفاوت است ممکن است شما بگویید مکتب‌های آینده یا مسجد-مدرسه‌های آینده. این مسجد-مدرسه یا مکتب یا مدرسه اجازه ندارد به جای پدر و مادر تصمیم بگیرد. این، اصل اول است.

۲. ظرفیت‌های آموزشی آن به نحو متمرکز نیست بلکه به نحو موردی است. پس اگر ما نه دسته آموزش داریم نه دسته مؤسسه خودجوش آموزشی هم خواهیم داشت که اینها در حوزه‌های مختلف می‌توانند ورود پیدا کرده، محتوا تولید کنند و تعلیم و تربیت را متکفل شوند. این هم مسئله دوم است.

۳. میزان استفاده از این مؤسسات آموزشی هم به دست پدر و مادر است و تابع ظرفیت فرزندان رقم می‌خورد.

